

اولین بانک آلمانی در ایران

چگونه تشکیل شد

قرارداد ۱۹۰۷ میلادی منعقد بین دولتین انگلیس و روسیه تزاری در پتر و گراد (لنین گراد امروزی) به کشاکش آن دو کشور در غرب آسیا بخصوص در ایران خاتمه داد و مناطق شمالی ایران تحت نفوذ دولت روسیه و جنوب در زیر نفوذ دولت انگلیس قرار گرفت.

روسها در مناطق نفوذ خود نیروئی بنام قزاق با فرماندهی افسران روسی و انگلیسی ها با نیروی پلیس جنوب بر اهنمائی افسران خود حفظ انتظامات را بعهده داشتند در سالهای بعد منطقه آزاد نیز به نیروی ژاندارم که با استخدام افسران سوئدی نظم و نسقی پیدا کرده بود اداره میشد.

پس از شروع جنگ جهانی اول با اینکه دولت ایران بی طرفی خود را در این جنگ اعلام کرده بود ولی ملیون و آزادیخواهان ایران جهت نجات کشور از سیاستهای استعماری آن دو دولت با در نظر گرفتن پیشرفت سریع دولت آلمان در جنگهای اروپا و توجه آن دولت از طریق

عثمانی و ایران به همدیگر قصد تهدید دولت انگلستان جانب سیاست آلمان را گرفته احساسات دوستانه‌ای نسبت به آن دولت نشان میدادند، دولت آلمان نیز برای نیل به سیاست خود در ایران و تهدید هندوستان از طریق ایران و افغانستان و ایجاد جبهه جنگ دیگری برای اشغال متفقین در شرق چه از طریق تقویت کادر سیاسی خود در ایران برای انعقاد قرارداد نظامی چه از طریق جلب سران ملیون به‌هواداری از خود با تشکیل کمیته ایرانی، ایرانی در برلین از این احساسات استقبال کرد و وابسته نظامی آلمان در ایران موفق شد یک قسمت مهم از افسران سوئدی را که مأمور تشکیلات ژاندارمری ایران بودند با استخدام دولت آلمان بیاورد و باین اقدام توانست قسمت مهمی از قوای مسلح ایران را طرفدار خود نماید.

در این اوضاع و احوال عراق قسمت شرقی دولت عثمانی متحد کشور آلمان مورد تجاوز ارتش انگلیس قرار گرفت و بعضی از شهرهای آن بتصرف قوای دولت انگلیس درآمد و روحانیان بزرگ آن منطقه برای مبارزه با انگلیسها فتوای جهاد صادر کردند^۱.

این فتواها در تحریک احساسات و تهییج افکار عمومی ایران و نمایندگان هیئت علمیه و روحانیون در مجلس شورای ملی بسیار مؤثر شد و موجب گردید که احزاب و دسته‌های دیگر مجلس شورای ملی

۱ - در باب متن فتاوا رجوع شود به ایران در جنگ بزرگ تألیف

مورخ الدوله سپهر ص ۷۲ و ۷۳.

(اعتدالی ها - هیئت علمیه - بیطرف ها) علاوه بر دموکراتها که علناً هوادار سیاست آلمان بودند و کمیته ایرانی برلین از نمایندگان آنان تشکیل شده بود بظاهر و یادرپنهانی بطرفداری از سیاست آلمان برخاستند و زمینه انعقاد قرارداد محرمانه‌ای با آن دولت فراهم گردید (ذیقعه و ذیحجه ۱۳۳۳ هجری قمری اوایل سپتامبر تا نوامبر ۱۹۱۵ میلادی).

تحریک افکار عمومی در ایران موجب نگرانی دولتمن روس و انگلیس گردید و این دو کشور فعالیت آلمانیها را در ایران منافی روش بیطرفی دولت ایران اعلام کردند و اصرار داشتند که دولت ایران آلمانیها را از ایران اخراج کند اما میرزا حسن خان مستوفی الممالک نخست وزیر ایران که با سیاست آن دو دولت موافق نبود علاوه بر اینکه به این کار تن در نداد در ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵ (اول محرم ۱۳۳۴ هجری قمری) قرارداد محرمانه‌ای در ۱۲ ماده با وزیر مختار دولت آلمان امضاء کرد ، در این قرارداد دولت آلمان تعهد کرد ماهی پانصد هزار تومان به بودجه ایران کمک کند و در مدت یکماه لااقل یکصد هزار تفنگ در اختیار دولت ایران بگذارد و دولت ایران یکصد هزار نفر افراد سپاهی آماده کند تا زیر نظر افسران آلمانی فنون نظامی را فراگیرند و سپس در کنار دولت عثمانی و آلمان وارد جنگ شوند در اینصورت استقلال و تمامیت ارضی ایران از طرف دولت آلمان تضمین شده بود . بعلاوه افتتاح يك بانك آلمانی در تهران و اتصال راه آهن خانقین به تهران و تغییر تعرفه گمرکی بنفع ایران مورد توافق طرفین قرار گرفت .

با اینکه قرارداد سرّی بود ولی دولتین روس و انگلیس از نزدیکی و هم‌آهنگی سیاست ایران و آلمان و انعقاد قرارداد اطلاع یافتند و به دولت ایران اعتراض کردند و چون مستوفی‌الممالک به اعتراض آنان اعتنائی نکرد، سر‌بازان دولت روسیه تزاری وارد بندر انزلی (پهلوی فعلی) شدند و پایتخت از طرف قزوین تهدید شد و وحشت و اضطرابی در تهران ایجاد گردید.

مستوفی‌الممالک پس از مذاکره با مقامات آلمانی تصمیم به تغییر پایتخت گرفت و احمد شاه قاجار و نمایندگان مجلس و عده‌ای از رجال و روحانیان را باین تصمیم همراه کرد تا روز هفتم محرم ۱۳۳۴ هجری قمری پایتخت را بسوی اصفهان ترک کنند ولی دخالت عده‌ای از رجال درباری و مذاکرات سفرای دولت روسیه و انگلیس شاه قاجار را از تغییر پایتخت بشرط عدم تجاوز قشون آن دو دولت به تهران منصرف کرد ولی سفارت‌های آلمان، اتریش، عثمانی و نمایندگان طرفدار سیاست آلمان (دموکراتها) و عده‌ای از طبقات مردم از تهران بیرون رفتند.

سران حزب دموکرات با کمک افراد و مقامات آلمانی در قم به تشکیل کمیته دفاع ملی پرداختند و مشغول اعزام هیئت‌ها به شهرستانها و تجهیز عشایر با ارسال اسلحه و پول برآمدند. دموکراتها با بیطرفها ائتلاف کرده طرفدار همکاری با آلمانها بودند ولی اعتدالیها با هیئت علمی باامضای معاهده موافق بودند و عجله را جایز نمی‌شمردند ولی بعدها باهم ائتلاف کردند و بموجب تعهد نامه‌ای اتحاد و دوستی خود را در تمام

مدتی که جنگ در ایران با دولتی روس و انگلیس دوام داشت با دولت آلمان اعلام داشتند. کمیته دفاع ملی قم بتحریر افکار عمومی علیه سیاست استعماری روس و انگلیس و فداکاری برای آزادی و استقلال ایران پرداخت و نمایندگان شهرستانها با هواداری از آنان و آمادگی خود برای دفاع از آزادی، تلگرافها به کمیته دفاع ملی فرستادند ولی قشون تزاری بسوی همدان و ساوه و بالاخره قم سرازیر شد و قوای کمیته دفاع ملی را شکست داد (۱۰ صفر ۱۳۳۴). کمیته دفاع ملی و هواداران آنها بطرف کاشان و اصفهان و کرمانشاه عقب نشستند.

۱۶ صفر ۱۳۳۴ مستوفی الممالک استعفاى خود را تقدیم کرد و شاهزاده فرمانفرما به نخست وزیرى انتخاب شد.

۴ ربیع الثانی ۱۳۳۴ مهاجرین به کرمانشاه وارد شدند و دو روز بعد از آن رضاقلیخان نظام السلطنه حکمران لرستان با اتفاق دکتر واسل وزیر مختار آلمان به کرمانشاه وارد شد.

نظام السلطنه در حکومت مستوفی الممالک حکمران لرستان بود و از رجال مورد اعتماد دولت و از شخصیتهای میهن پرست و آزادیخواه بشمار میرفت و در خوزستان و فارس که قبلاً حکومت داشت با اقدامات مفید و ثمر بخش خود در میان آزادیخواهان اعتبار و نفوذی داشت با این سوابق کمیته دفاع ملی در ابتدای کار خود عدهای از نمایندگان را نزد وی فرستاد و از وی خواست فرماندهی اردوی ملی را بعهده بگیرد او نیز در اوایل صفر ۱۳۳۴ قمری با عدهای قریب به هزار نفر از بروجرد

به صحنه حرکت کرد فرمانفرما صدراعظم پیامی بوی فرستاد و او را از این اقدام باز داشت ولی نظام السلطنه راه خود را ادامه داد و در راه گروهی از فرماندهان سوئدی و ایرانی ژاندارمری و عده‌ای از رؤسای عشایر و ایلات میهن پرست بوی پیوستند بالاخره وی در پایان سفر باچند هزار نفر از همراهان خود وارد صحنه شد و چندی آنجا توقف کرد ولی از نظر تمرکز نیرو و استفاده از کمک‌های دولت عثمانی و آلمان باعنوان فرمانده قوای ملی بسوی کرمانشاه عزیمت کرد و پس از دوروز بکرمانشاه وارد شد. آخرین روز ربیع‌الاول بود که وزیر مختار دولت آلمان برای عرض تبریک باوی ملاقات کرد و تضمیناتی را که دولت آلمان به دولت مستوفی الممالک تسلیم کرده بود بوی نیز تسلیم کرد و برای پس از خاتمه جنگ و استقرار صلح تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را تعهد نمود.

نظام السلطنه روز ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ (۷ فوریه ۱۹۱۶) بعنوان ریاست قوه مجریه برگزیده شد. چندروز بعد قوای دولت تزاری با تجهیزات کاملی وارد عملیات جنگی گردید و قوای ایرانی که متشکل از ژاندارم و سواران عشایری بود مجبور به عقب نشینی شد. حکومت نظام السلطنه نیز بناچار کرمانشاه را ترک گفت (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴) و بقصر شیرین رفت و باینکه در چند زد و خورد محلی قوای ایران به روسها غلبه کرد و نظام السلطنه تصدیق و تأیید وزیر مختار آلمان را که در صورت غلبه آلمان برای موفقیت ایران در کنفرانس صلح اهمیت

بسنائی داشت اخذکرد ولی باحتمالات مجدد سر بازان روسی برای تصرف کوت العماره نیروی ملیون عقب نشینی کرد و حکومت نظام السلطنه قصر شیرین را نیز تخلیه کرد و بطرف بغداد عقب نشست .

بعد از چندی وضع جنگ در جبهه های عراق تغییر پیدا کرد و قوای عثمانی در جنگها پیشرفت نمود و در بغداد جشنها بجهت این پیروزی ها برپا گردید و از نظام السلطنه و همراهانش پذیرائی رسمی بعمل آمد .

در این موقع قوای ایرانی نیز در غرب ایران به پیشرفت هایی در مقابل روسها نایل آمده بود و يك قسمت از نیروی عثمانی که در کوت العماره شرکت داشت و بر اثر تسلیم قوای انگلیس آزاد شده بود بفرماندهی علی احسان پاشا بهمراهی حکومت نظام السلطنه بطرف ایران حرکت کرد و این نیرو قوای روسی را تا آن طرف همدان عقب نشاند و در نتیجه نظام السلطنه در رمضان ۱۳۳۴ مجدداً در کرمانشاه مستقر گردید .

نظام السلطنه در کرمانشاه بفعالیت و اصلاحات عظیمی دست زد و چون آلمانیها درسازمان سیاسی و نظامی خود تغییراتی داده بودند همکاری میان نیروی ایرانی و عثمانی و سیاست آلمان از سر گرفته شد .

نظام السلطنه برای تثبیت وضع حکومت موقتی ملیون و همکاری بانمایندگان رسمی دولت ایران چه در زمان جنگ و چه برای بعد از جنگ جهت انعقاد قرارداد صلح و تأمین مصالح ایران نمایندگان به

استانبول و برلین اعزام کرد نماینده وی در عثمانی با اینکه با مخالفت نماینده دولت ایران مصادف بود ولی مأموریت خود را به شایستگی انجام داد ولی سفیر وی در برلین با همکاری صمیمانه‌ای که بانمایندگان رسمی دولت ایران داشت موفقیت‌هایی کسب کرد و بافداکاری نیروی ایرانی کردستان، همدان، ملایر، تویسرکان، نهاوند، گروس، بروجرد از دست قوای روس بیرون آمده زیر نظر حکومت موقتی اداره میشد.

مورخ الدوله سپهر در کتاب ایران در جنگ بزرگ صفحه ۲۸۱ از قول رودلف نادلنی کاردار آلمان مقیم کرمانشاه مینویسد: «... چون برای عملیات جنگی قبل از همه چیز پول لازم بود لذا در برلین دستور دادم مقداری لیره طلای عثمانی و مقداری سکه يك قرانی نقره مطابق نمونه که از سفر اول خود به ایران برسم یادگاری برای برادرم آورده بودم بضر بخرانند. علاوه بر این چهارمیلیون مارك اسکناس ۱۰-۲۰-۱۰۰ ماركی آلمان همراه داشتم که روی آنها هم از هر يك بیول ایران از قرار دو تومان و نیم - پنج تومان - بیست و پنج تومان - با مهر قرمز چاپ شده بود...».

و نیز مینویسد (صفحه ۲۸۴) «... برای بخریان انداختن اسکناسهای مارك آلمان با مهر های قرمز رنگ هم ارز آن پول ایران تعیین شده یکی از بازرگانان آلمانی موسوم به کروهمپتر از طرف من مأمور گردید بانگی در کرمانشاه تأسیس نماید چون اهالی هنوز اعتماد کاملی به حسن جریان امر پیدا نکرده بودند هر روز اسکناسهای مزبور

را به بانك آورده و مطالبه پول طلا و نقره مینمودند و بانك نیز مرتباً هم ارز آنرا بطلا و نقره میپرداخت « . عکس نمونه ۱۰ و ۲۰ مارکی مذکور ذیل این مقاله چاپ شده است .

علی احسان پاشا سردار عثمانی به پیشروی خود در ایران ادامه داد و همدان را تصرف کرد و برای تصرف پایتخت بسوی تهران حرکت کرد ولی پس از مذاکراتی که بین او و نظام السلطنه و مقامات عثمانی بعمل آمد او از تصرف تهران منصرف شد و اطلاعیه‌ای از طرف سفارت عثمانی در تهران انتشار یافت تا پیشرفت قوای عثمانی موجب رعب و وحشت مردم نشود .

در تهران بعثت مهاجرت نمایندگان ، مجلس (دردوره سوم مجلس شورایملی افتتاح ۱۶ محرم ۱۳۳۳ مهاجرت و پراکندگی نمایندگان (۷ محرم ۱۳۳۴) از اکثریت افتاد و بعد از مستوفی الممالک ، فرمانفرما و بعد از وی بعثت جنگ و نبودن ثبات دولتها یکی بعد از دیگری تشکیل گردید و استعفا کرد تا بالاخره در ۳ ربیع الثانی ۱۳۳۶ مستوفی الممالک مجدداً مأمور تشکیل دولت شد .

بتدریج تعیین اوضاع جنگ در اروپا موجب تغییرات مهمی در جنگ میان روس و انگلیس از یک طرف و عثمانی و آلمان و اتریش از طرف دیگر شد و علی احسان پاشا ناچار بعقب نشینی از خاک ایران شد . مورخ الدوله سپهر دردنباله خاطرات رودلف نادلنی از قول وی مینویسد : « در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۱۸ (۵ جمادی الاول ۱۳۳۶

قمری ۲۸ بهمن ۱۲۹۶ شمسی) تلگرافی از بغداد رسید مبنی بر اینکه قوای ترکیه و تشکیلات آلمانی دستور دارند ایران را تخلیه نمایند و توصیه شده بود اعضای سفارت بدنبال آنها حرکت کنند بفوریت بملاقات نظام السلطنه شتافتم او نیز بوسیله (فوزی بی) (فوزی بیگ) وابسته نظامی ترکیه از این خبر مطلع شده با وزرای خود مشغول شور بود بمحض ورود من نظام السلطنه اظهار داشت که وی و طرفدارانش تصمیم گرفته‌اند بترکیه بروند و برای این کار پول لازم دارند در این موقع نتوانستم این تقاضا را رد نمایم و پولی که مورد احتیاج بود در اختیارش گذاردم.

همینکه اهالی کرمانشاه اطلاع پیدا کردند که سفارت مشغول جمع‌آوری اسباب و اثاث‌البیت میباشد بانك فشار آوردند و خوشبختانه در همین اوان کاروان جدیدی حامل طلا و نقره رسیده بود و بانك توانست به تقاضای ارباب رجوع ترتیب اثر داده و قسمت اعظم از اسکناسهای مارک را به طلا و نقره تبدیل نماید»

نظام السلطنه و سران حکومت موقتی ایران را ترك گفتند وبخاك عثمانی عقب نشستند عده‌ای از همراهان وی در میان ایلات پراکنده شدند و عده‌ای نیز بخاك عثمانی رفتند و از آنجا به طرفداران خود درخاك آلمان پیوستند و قشون متفقین تمامی نواحی زیر نفوذ حکومت موقتی را اشغال کرد.

فعالیت نظام السلطنه در دوران حکومت خود و همچنین کوششهای وی تا پایان مهاجرت میتواند عنوان مقاله دیگری باشد که بعلت ارتباط نداشتن با عنوان این مقاله بفرصت مناسبی موکول میشود.



